

سخن مترجم

موضوع روابط بین‌الملل طی سالهای اخیر ابعاد گسترده‌ای یافته و کتابهای متعددی نیز به بازار عرضه شده است که هر کدام قابل توجه بوده و از ارزش خاصی برخوردار است، اما باید بپذیریم که هنوز کاستیهای زیادی در این حوزه وجود دارد. بیشتر کتابهایی که به فارسی ترجمه شده‌اند، اندیشمندان انگلیسی یا فرانسوی آنها را تألیف کرده‌اند که آنان نیز مسائل بین‌الملل را براساس اصولی که به آن معتقد بودند، مورد تجزیه و تحلیل قرار داده‌اند و به ندرت به دیدگاههای اندیشمندان و صاحب‌نظران آلمانی پرداخته‌اند.

کتاب حاضر را یکی از استادان آلمانی علوم سیاسی به رشته تحریر در آورده است. این اثر در مقایسه با سایر کتابهای موجود مزیت‌های زیادی دارد که به آنها به صورت خلاصه اشاره می‌کنیم.

اول اینکه، مؤلف کتاب خود استاد روابط بین‌الملل است و مسائل جهانی را با دید صاحب‌نظر سیاسی و آگاه به مسائل نظامی مورد بررسی قرار می‌دهد و در مباحث خود سه مقوله مختلف: سیاست خارجی، سیاست بین‌المللی و روابط بین‌الملل را از یکدیگر تفکیک می‌کند؛ به طوری که در مقدمه کتاب نیز یادآور می‌شود باید در بررسی روابط بین‌الملل این سه مبحث علمی را از یکدیگر باز شناسیم.

دوم اینکه، نویسنده در کتاب به بررسی کلی مسائل جهانی می‌پردازد و می‌کوشد به عنوان محقق بی‌طرف همچنان که به مسائل کشورهای قدرتمند می‌پردازد، مسائل آسیا و خاور نزدیک و افریقا را نیز از نظر دور ندارد.

سوم اینکه، هر چند حجم کتاب کم است؛ اما از نظر محتوایی بسیار غنی است، به خصوص زمانی که فرصتها اندک و باب مسائل علمی بسیار گسترده است. به اعتقاد بیشتر صاحب‌نظران، زمان تدوین کتابهای قطور سپری شده است و باید تلاش کرد تا کتابهای پرمحتوا، اما کم‌حجم ارائه شود تا علاقه به فراگیری مطالب علمی افزایش یابد.

کلیات

بررسی موضوع روابط بین‌الملل که بخشی از علم سیاست است و به تازگی نیز ابعاد گسترده‌تری یافته، موضوعی بسیار پیچیده است. زیرا دربرگیرنده موضوعات سیاست بین‌المللی، روابط بین‌الملل و سیاست خارجی است. با بررسی این مفاهیم درمی‌یابیم که هر یک از آنها بر محور یا موضوع خاصی تأکید می‌کنند.

سیاست خارجی در مفهوم کلی آن نشان‌دهنده عملکرد کشوری در ارتباط با دیگر دولت‌ها یا سازمان‌های بین‌المللی است و هسته آن بر محور بازیگران سیاسی مثل دولت‌ها یا مجالس (پارلمان) می‌چرخد. چهارچوب سیاست خارجی را امنیت خارجی، رفاه اجتماعی، امنیت و حاکمیت تشکیل می‌دهد.

نقطه مقابل آن، سیاست بین‌المللی قرار دارد که دولت‌ها بازیگران اصلی آن را تشکیل می‌دهند و محور فعالیتش مرزهای کشورها هستند که نسبت به عملکرد دولت‌ها عکس‌العمل نشان می‌دهند. در نتیجه، سیاست بین‌المللی در این حوزه به عنوان ناظر هشیار فعال خودنمایی می‌کند.

روابط بین‌الملل بخشی از چشم‌اندازهای سیاست را تشکیل می‌دهد و نظر خود را فقط به بازیگران سیاسی و محتوای آن معطوف نمی‌کند، بلکه به صورت عمومی و کلی به بررسی عملکرد بین‌کشور و دولت‌ها و سازمان‌های بین‌المللی، امنیت، رفاه و حاکمیت می‌پردازد و به همین علت، رهبران مذهبی، گروه‌های ذی‌نفوذ، شرکتها و احزاب و گروه‌های فعال مخفی و اتحادیه‌های تروریستی موضوعات روابط بین‌الملل است؛ اما اغلب نویسندگان و محققان سیاسی توجه چندانی به این گونه تقسیم‌بندیها ندارند و بیشتر به مفاهیم سیاست خارجی، روابط بین‌الملل و سیاست بین‌المللی در یک معنی نگاه می‌کنند یا به جای یکدیگر به کار می‌برند.

حدود دو دهه قبل سمپیل¹ موضوع سیاست بین‌المللی را در کتاب ارزشمندی به صورت دقیق توضیح و ده سال بعد (1996) موضوع روابط بین‌الملل را به شکلی موشکافانه شرح داد و آن را به صورت کتاب درسی منتشر کرد. وی در این اثر هر دو مفهوم را در یک معنی به کار برده و همچنین این مفاهیم و موضوعات را در یک کنفرانس بین‌المللی، که درباره اتحاد دو آلمان در سال 1990 در آن کشور تشکیل شده بود، مورد بحث قرار داده است.

به نظر می‌رسد امروزه روابط بین‌الملل در مسائل جهانی اولویت بیشتری نسبت به سیاست بین‌المللی پیدا کرده و همین امر دلیل روشنی برای سردرگمی مسائل سیاسی شده است. در اینجا باید دلیل این برتری ذکر و از دیدگاه اصول دانشگاهی تجزیه و تحلیل شود.

روابط بین‌الملل رشته‌ای تخصصی و دارای چهارچوبهای خاصی است که نگاهی کلی نیز به علوم سیاسی می‌افکند. اصولاً نظریه‌های علوم سیاسی بر محور دولت، کشور، دموکراسی، عملکردهای قانونی سیاست و همزیستی با کاپیتالیسم قرار دارد. همچنین، تحقیق درباره سیاست داخلی و مقایسه نظامهای سیاسی و بحث درباره دولتها، جوامع و نیز روند مسائل از وظایف آن است. علاوه بر آن، مرزهای قانونی توافقیهای دولتهای ملی پایه‌های آن را تشکیل می‌دهد.

چنین وظایف و عملکرد تنگاتنگی، مانند آنچه دولتها خواهان آن‌اند، در دولتهای جهانی وجود ندارد. باید به انتظار ایجاد جهان دولتی ایستاد، اما سؤال این است که آیا اجتماع جهانی وجود دارد و نیز توانایی چنین عملی مشاهده می‌شود؟ دولتهای جهانی بی‌قانون نیستند، اما فقر قانونی دارند.

قدرت در مقایسه با قانون ممکن است قوی‌تر باشد. اما قدرت نقطه اتکاست تا از آن طریق ساختارهای روابط بین‌الملل را نشان دهد. با نگاه به تاریخ در روابط بین‌الملل تأثیر سیاستهای تجاری و پولی و اقتصادی جهانی بر روند زندگی انسانها در جامعه مشخص می‌شود.

با استناد به این نقطه نظرات درمی یابیم که کتاب حاضر چه اهدافی را دنبال می کند. در گذشته موضوع اصلی روابط بین الملل با تفکر سنتی خود بر کاهش مشکلات بین المللی و تاریخی دیپلماتیک متمرکز بود.

روابط بین الملل تا دهه 1980 ترجیحاً به نظریه های رئالیستی و یا نئورئالیستی معطوف و موضوع کلیدی آن در برگیرنده دولتهای موجود بود. مسئله این است که به منزله یک سلسله شاخص غیر غربی تفسیر شده است. اما مدتی است در روابط بین الملل مکاتب دیگری مثل مسائل اقتصاد جهانی و جهانی شدن سیاست و نقش انسانها در جامعه و ساختار آن پدید آمده اند.

چنین وضعیتی مدتهاست ذهن اندیشمندان علم سیاست را به خود مشغول کرده است. به نظر می رسد روابط بین الملل در مقایسه با سایر موضوعات بیشتر به تحلیل مسائل مختلف سیاست می پردازد.

روابط بین الملل در موقعیتی قرار دارد که به دنبال یافتن راه حل های جدید بعد از جنگ سرد است. این کار از ده سال قبل شروع شده و بهترین نشان و گواه آن بحث های شدید نظری در روابط بین الملل است. بسیاری از پدیده های روابط بین الملل مثل همکاری بین دولتها و حقوق بشر به عنوان مقیاسی در روابط دیپلماتیک و روابط سیاسی در مورد همکاری های بین دولتهای اروپایی است.

مهم ترین موضوعهای این کتاب به این شرح است:

در آغاز، طرحی کوتاه درباره توسعه این رشته داده شده است (فصول اول و دوم). در این دو فصل مهم ترین نظریه های روابط بین الملل ارائه شده و اولویت انتخاب موضوعات، به روز بودن و ارزش آنها در روابط بین الملل است. در نظریه های امپریالیسم به نوع نظامهای جهانی یا نظریه های فمینیستی پرداخته نشده است. در خاتمه ارائه این نظریه ها خواننده باید مطلع شود که مسائل روابط بین الملل از کجا نشئت گرفته اند و به دنبال چه هستند و سؤالات مهم کدام اند.

در سایر فصلها به بازیگران فعال و حوزه ای سیاستهای جهانی پرداخته می شود. در فصل سوم به امریکا و بررسی ابعاد مختلف این قدرت بلامنازع جهانی بعد از جنگ جهانی دوم نگاهی داریم.

مطالب فصل چهارم به این نکته اشاره دارد که روسیه به عنوان بزرگ‌ترین دولت ناتمام و به‌جا مانده از شوروی سابق در نقشه جهانی این سؤال را به ذهن تداعی می‌کند که آیا این کشور با سرزمین بسیار وسیع خود قصد دارد قدرت خود را افزایش دهد.

در فصل پنجم اروپا نیز در روابط بین‌الملل از جهت همگرایی مورد بررسی قرار می‌گیرد. در این زمینه باید به همکاری بین اتحادیه اروپا و ناتو پردازیم. همچنین در این فصل اختلاف دیدگاهها و سایر مسائل جهانی بین اروپای غربی و شرقی مورد توجه قرار می‌گیرد.

شرق آسیا موضوعی بسیار گسترده و مهم است و به همین دلیل در فصل ششم به این مطلب می‌پردازیم که چین در مرکز آسیای پاسیفیک قرار دارد و ژاپن از نظر اقتصادی در منطقه حاکمیت می‌کند.

در سایر فصول دو منطقه بحرانی مورد توجه قرار گرفته است: در فصل هفتم شرق میانه و در فصل هشتم امریکای لاتین و افریقا. سرانجام در فصل نهم نیز به سازمانهای بین‌المللی و رژیمهای سیاسی نظری کلی افکنده می‌شود.

مهم‌ترین موضوع دیگر در روابط بین‌الملل سازمانهای غیردولتی و شرکتهای چندملیتی‌اند که در این کتاب به تحلیل آن می‌پردازیم. همچنین همکاریهای خاص بین‌الملل (رژیمها) به طور مختصر مورد تجزیه و تحلیل قرار می‌گیرد و چنان‌که یادآوری شد، کشورها و دولتهای منطقه‌ای نیز بررسی خواهند شد.